آخرین فرصت مرد محکوم به قصاص

آرمین بینا

۱۱ سال انتظار، دو بار پای چوبه دار، اما هنوز تکلیفش مشخص نشده‌است؛ قاتلی که برای سرقت طلا دست به جنایت زد، روز چهارشنبه در جلسه صلح و سازش پای میز اولیای‌دم می‌نشیند. قصاص یا بخشش؟ این‌بار تکلیف او روشن می‌شود.

۱۱ سال قبل ساکنان ساختمانی در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران متوجه صدای فریادهای کمک‌خواهی یکی از همسایه‌ها شدند و سراسیمه از خانه‌هایشان بیرون آمدند.

صدای فریادهای دلخراش از خانه زن همسایه که همراه پسر خردسالش زندگی می‌کرد، شنیده می‌شد که دیدند مرد جوانی در حالی که لباس‌هایش خونی است، وحشت‌زده از ساختمان خارج شد و فرار کرد. همسایه‌ها وقتی وارد خانه زن جوان شدند با صحنه دلخراشی مواجه شدند. زن جوان خونین روی زمین افتاده بود و در پرتگاه مرگ قرار داشت و پسر خردسالش هم بر بالینش گریه می‌کرد. ساکنان ساختمان با دیدن این صحنه مرد جوان را تعقیب کردند و در نهایت پس از طی مسافتی او را دستگیر کردند که متوجه شدند مقدار زیادی طلا همراه خود دارد. سپس حادثه به پلیس و اورژانس خبر داده شد. تیم اورژانس به سرعت در محل حاضر شد، اما پس از معاینه زن جوان اعلام کرد او بر اثر اصابت چاقو به قسمت‌های حساس بدن، جان خود را از دست داده‌است.

ورود بازپرس ویژه قتل

خبر قتل زن جوان، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران و تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی را به محل حادثه کشاند. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد قاتل که «کامیار» نام دارد، از مدتی قبل به خانه مقتول رفت و آمد داشته است. او لحظاتی قبل به قصد سرقت طلاهای زن جوان دست به جنایت زده، اما در داخل کوچه به دست همسایه‌ها گرفتار شده‌است.

اعتراف قاتل؛ وسوسه طلا

متهم پس از انتقال به اداره پلیس، با اظهار پشیمانی به قتل زن جوان با انگیزه سرقت طلاهایش اعتراف کرد. او در توضیح ماجرا به کارآگاهان گفت: «من و مقتول در دو شرکت جداگانه مشغول به کار بودیم. مدتی قبل در اربیل عراق، در یک نمایشگاه با هم آشنا شدیم. شرکت‌های ما در آن نمایشگاه شرکت کرده‌بودند. آشنایی ما همانجا رقم خورد. پس از بازگشت به ایران، ارتباطمان ادامه داشت. او زن تنهایی بود و همراه پسر خردسالش زندگی می‌کرد. من تصمیم گرفتم به خانه او رفت و آمد کنم.»

وی ادامه داد: «او به من اعتماد کرده‌بود تا اینکه فهمیدم مقدار زیادی طلا دارد. بعد از آن بود که وسوسه سرقت طلاهایش به جانم افتاد. روز حادثه به بهانه‌ای به خانه‌اش رفتم. از من پذیرایی کرد. تصمیم گرفتم به زور طلاهایش را سرقت کنم، اما او مقاومت کرد و با من درگیر شد. عصبانی شدم و با چاقو ضرباتی به او زدم تا بتوانم فرار کنم. من قصد قتل نداشتم و فقط انگیزه‌ام سرقت بود.»

محکومیت به قصاص

متهم پس از اعتراف، در دادگاه به جرم قتل عمد محکوم و به قصاص محکوم شد. پرونده وی برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. پس از آن، متهم دو بار پای چوبه دار رفت، اما هر دو بار به دلایلی حکم قصاص اجرا نشد. حالا ۱۱ سال از آن حادثه می‌گذرد و کامیار همچنان در بلاتکلیفی به سر می‌برد.

درخواست تعیین تکلیف و جلسه صلح و سازش

چند روز قبل، کامیار با نوشتن نامه‌ای به مقام قضایی درخواست کرد تا وضعیت او یک بار برای همیشه تعیین تکلیف شود.

قاضی شعبه دوم اجرای احکام، پس از بررسی درخواست متهم، دستور داد جلسه صلح و سازش با حضور متهم و اولیای‌دم (پسر، برادر و خواهر مقتول) روز چهارشنبه در دادسرا برگزار شود. قرار است در این جلسه، درباره وضعیت پرونده متهم تصمیم‌گیری شود.

حالا همه چیز به تصمیم اولیای‌دم بستگی دارد. اگر آنها از قصاص بگذرند، کامیار نجات می‌یابد و اگر بر اجرای حکم اصرار کنند، طناب دار دوباره به گردن او آویخته خواهد شد. ۱۱ سال انتظار برای متهم و ۱۱ سال سوگواری برای خانواده مقتول. حالا این پرونده قدیمی به نقطه پایانی خود نزدیک می‌شود. آیا بخشش در کار است یا قصاص؟ روز چهارشنبه، این راز بزرگ فاش خواهد شد.

سقوط کارگر ۵۰ ساله به گودال ساختمانی

بی‌احتیاطی هنگام کار در یک پروژه ساختمانی در خیابان استاد حسن‌بنا، موجب شد کارگر میانسالی داخل گودال دو متری سقوط کند و به شدت مصدوم شود.

ساعت ۱۰:۴۰ صبح روز گذشته و همزمان با تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ مبنی بر سقوط یک کارگر به داخل چاه، نیروهای عملیاتی ایستگاه ۷۵ آتش‌نشانی راهی محل حادثه شدند.

امیر پوهاتفی، فرمانده آتش‌نشانان اعزامی، درباره جزئیات این حادثه گفت: کارگر ۵۰ ساله هنگام کار در یک ساختمان شش طبقه، بر اثر بی‌احتیاطی به داخل گودالی به عمق حدود دو متر سقوط کرده‌بود. وی افزود: آتش‌نشانان با استفاده از تجهیزات ایمنی و امدادی، این کارگر را که از چند ناحیه بدن دچار آسیب شدید شده‌بود، از داخل گودال خارج کردند.

این مرد مصدوم پس از انجام اقدامات اولیه، برای ادامه درمان به نیروهای اورژانس تحویل داده شد و عملیات امداد و نجات پایان یافت.

کشف طلاهای سرقتی در باغچه زوج سارق

غلامرضا مسکنی

زن میانسال طلاهای دختر و عروسش را در گاوصندوق خانه گذاشت، اما هم‌باشگاهی‌اش در باشگاه موضوع را شنید، وسوسه شد و با همدستی شوهر سابقه‌دارش، بیش از دو کیلو طلا را سرقت کرد. طلاها در باغچه خانه سارقان دفن شده‌بود.

روز دوشنبه، هفتم اردیبهشت ماه، تماسی تلفنی با اداره پلیس تهران برقرار شد که مأموران را به یکی از محله‌های پایتخت کشاند. زن میانسالی با صدایی لرزان و وحشت‌زده از سرقت طلاهایش خبر داد. بلافاصله تیمی از مأموران پلیس راهی محل حادثه شدند. آنها دریافتند لحظاتی قبل، زمانی که این زن برای ورزش به باشگاه رفته بوده، سارقی وارد خانه‌اش شده و بیش از دو کیلو طلا سرقت کرده‌است.

نگهداری طلاهای دختر و عروس در دوران جنگ

شاکی در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «در جریان جنگ سوم تحمیلی، دخترم و عروسم طلاهایشان را که بیش از دو کیلو بود، به خانه من آوردند تا از آنها نگهداری کنم. ساختمان‌های اطراف خانه آنها مورد اصابت موشک‌های دشمن قرار گرفته‌بود و شیشه‌ها و پنجره‌های خانه‌شان شکسته و تخریب شده‌بود. پس از این حادثه، آنها به مسافرت رفتند و برای اینکه خیالشان از بابت طلاهایشان جمع باشد، طلاهایشان را در گاوصندوق خانه‌ام گذاشتند.» وی ادامه داد: «من هر روز صبح برای ورزش به باشگاهی در نزدیکی خانه‌مان می‌روم. ساعتی قبل وقتی از باشگاه برگشتم، با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. در گاوصندوق باز بود و تمامی طلاها سرقت شده‌بود. نمی‌دانستم چه کسی از این راز باخبر بود.»

سرنخ اولیه؛ سارق آشنا بود

با ثبت این شکایت، تیمی از کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی پایتخت برای شناسایی سارق طلاهای زن میانسال وارد عمل شدند.

مأموران در بررسی محل حادثه متوجه شدند هیچ اثری از تخریب در خانه و حتی گاوصندوق دیده نمی‌شود. این موضوع نشان می‌داد سارق فردی آشناست که علاوه بر خبر داشتن از محل نگهداری طلاها، کلید خانه را هم داشته و با خیال راحت وارد شده و دست به سرقت چند میلیاردی زده‌است.

دوربین‌ها؛ مرد نقابدار سوار بر موتورسیکلت سفید

در گام بعدی، مأموران دوربین‌های مداربسته محل زندگی شاکی را بازبینی کردند. تصاویر نشان می‌داد مردی حدوداً ۴۷ ساله، در حالی که نقاب به صورت و کلاه ایمنی به سر دارد، با یک دستگاه موتورسیکلت سفید رنگ وارد مجتمع مسکونی می‌شود. او حدود ۱۵ دقیقه بعد از مجتمع خارج می‌شود.

از آنجایی که مشخص شد در همین زمان، شاکی در باشگاه ورزشی حضور داشته‌است، مأموران برای به دست آوردن ردی از سارق یا همدست او، دوربین‌های مداربسته نزدیک باشگاه را نیز بررسی کردند.

ملاقات مرموز؛ تحویل کلید

دوربین‌ها صحنه عجیبی را ثبت کرده‌بودند. همان مرد سوار بر موتورسیکلت سفید، لحظاتی قبل از سرقت، با یک زن جوان ملاقات می‌کند و چیزی شبیه دسته کلید را از او می‌گیرد. سپس به سمت خانه شاکی می‌رود و پس از دقیقاً ۱۵ دقیقه، دوباره با همان زن در نزدیکی باشگاه ملاقات می‌کند و ظاهراً همان دسته کلید را به او بازمی‌گرداند.

بررسی‌ها نشان داد این زن جوان، همدست سارق بوده و کلید خانه شاکی را در اختیار او قرار داده‌است.

شوک بزرگ؛ دوست ۴ ساله باشگاه

کارآگاهان چهره زن جوان را به شاکی نشان دادند. او در کمال ناباوری، فرد مقابل را «شقایق» ۴۰ ساله شناسایی کرد و گفت: «چهار سال است با او در همین باشگاه دوست هستیم و با هم ورزش می‌کنیم. نمی‌توانم باور کنم که او پشت این ماجرا باشد.»

اعتراف و کشف طلاها در باغچه خانه

با به دست آمدن این اطلاعات شقایق بازداشت شد. او در بازجویی‌ها ابتدا منکر جرم خود شد، اما وقتی چهره خود را در دوربین‌های مداربسته دید، به سرقت طلاهای زن میانسال با همدستی شوهرش «میلاد» اعتراف کرد.

مأموران بلافاصله شوهر او را که متهم سابقه‌داری است، بازداشت کردند. دو متهم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کردند و گفتند: «پس از سرقت، تمامی طلاها را در باغچه خانه‌مان دفن کردیم تا کسی متوجه نشود. فکر می‌کردیم رد گم می‌کنیم.»

با اعتراف متهمان، کارآگاهان پایگاه یکم به محل دفن طلاها رفتند و تمام طلاهای سرقت‌شده را از زیر خاک بیرون آوردند و به مالباخته تحویل دادند.

تحقیقات از متهمان از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی ادامه دارد. پرونده برای صدور کیفرخواست به دادسرا ارسال شده و متهمان در انتظار محاکمه هستند.

گفت‌وگو با متهم

وسوسه‌ای که به زندان ختم شد

شقایق ادعا می‌کند وقتی زن میانسال در باشگاه ورزشی درباره نگهداری طلاهای دختر و عروسش با او حرف زده، وسوسه شده‌است. او سپس با همدستی شوهر سابقه‌دارش، نقشه سرقت را طراحی و اجرا کرده‌است.

شقایق سابقه داری؟

نه. هیچ سابقه‌ای ندارم.

اما شوهرت سابقه‌دار است، درسته؟

بله، او دو بار به اتهام کلاهبرداری به زندان رفت و به تازگی از زندان آزاد شد.

چه شد با اینکه می‌دانستی عاقبت خلاف زندان است، با شوهرت همدست شدی؟

وسوسه شدم. می‌خواستم با فروش طلاهای سرقتی، زندگی‌ام را سر و سامان بدهم.

با مالباخته چطور آشنا شدی؟

هر دوی ما برای ورزش باشگاه می‌رفتیم و چهار سال قبل با او دوست شدم و دوستی ما ادامه داشت. معمولاً هفته‌ای چند روز یکدیگر را می‌دیدیم.

چطوری متوجه شدی، دوستت در خانه‌اش طلا نگهداری می‌کند؟

ما با هم دوست بودیم و با هم درد دل می‌کردیم. در جریان جنگ، یک روز که به باشگاه آمد، گفت خانه روبه‌رویی دختر و عروسش را با موشک زده‌اند و خانه آنها هم آسیب‌دیده و قرار است امروز زودتر به خانه برگردد، چون دختر و عروسش می‌خواهند طلاهای‌شان را برای نگهداری به خانه من بیاورند.

چه شد که تصمیم به سرقت گرفتی؟

وقتی موضوع نگهداری طلاهای دوستم را به شوهرم گفتم او مرا وسوسه کرد و گفت با نقشه‌ای که دارد به راحتی می‌تواند سرقت کند و هیچ رد پایی هم از خودش به جای نگذارد. چون حرفه‌ای بود، به او اعتماد کردم.

از کجا فهمیدی داخل گاوصندوق نگهداری می‌کند؟

وقتی وسوسه شدم هر روز سر صحبت را با او باز می‌کردم تا اینکه فهمیدم طلاها را در گاوصندوقی که رمز ندارد، نگهداری می‌کند.

بعد چه شد؟

نقشه را شوهرم طراحی کرد و روز حادثه هم من در فرصتی مناسب کلید خانه دوستم را در باشگاه از داخل کیفش برداشتم و به شوهرم دادم و او هم بعد از ۱۵ دقیقه به من برگرداند و من هم کلید را سرجای قبلی‌اش گذاشتم.

یادداشت

تشکیل قرارگاه ویژه مقابله با احتکار و گرانی، ضرورتی راهبردی

سردار حسین رحیمی
رئیس پلیس امنیت اقتصادی

یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهایی که ثبات معیشتی را هدف قرار می‌دهد، پدیده احتکار کالا است. احتکار، فراتر از یک رفتار تجاری نامناسب، یک بحران ساختاری است که با ایجاد شکاف بین عرضه و تقاضا، قیمت‌ها را به شکلی غیرمنطقی جهش می‌دهد. مشکل اصلی در مواجهه با احتکار، این نیست که قوانین وجود ندارند، بلکه این است که قدرت اجرایی واطلاعات و دسترسی به سیستم‌های لازم به صورت پراکنده و غیرمنسجم در میان نهادهای مختلف (وزارت صمت، بازرسی، پلیس و سازمان‌های مصرف‌کننده) پخش شده‌است. در این میان، محتکران از فضا و خلأها و برخی ناهماهنگی‌های ممکن میان این نهادها و از کندی فرآیندهای اداری، پنهان کردن کالاها استفاده می‌کنند. برای شکست دادن این دشمن پنهان، گذار از نظارت پراکنده به مدیریت متمرکز از طریق تشکیل یک قرارگاه ویژه مقابله با احتکار تنها راهکار کارآمد است. تلاش‌های زیادی برای کنترل بازار انجام شده، اما این تلاش‌ها اغلب با چالش‌های زیر روبه‌رو بوده‌اند:

جزیره‌ای بودن اطلاعات: اطلاعات مربوط به موجودی انبارها، نرخ‌های ورود کالا به گمرک و قیمت‌های خرده‌فروشی در سازمان‌های مختلف ذخیره شده‌است. عدم اتصال این داده‌ها باعث می‌شود محتکران بتوانند با جابه‌جایی‌های کوچک، ردپای خود را از سیستم‌های نظارتی سنتی پاک کنند.

۱. کندی در واکنش

وقتی یک نهاد نظارتی گزارش دریافت می‌کند، احتمالاً کالا مدت‌هاست که از بازار خارج شده و به انبارها منتقل شده‌است. فرآیندهای سلسله‌مراتبی و اداری، فرصت اقدام فوری را از مسئولان می‌گیرد.

عدم تمرکز در برخورد: وقتی مسئولیت نظارت بین چندین نهاد تقسیم شده‌باشد، از نظر حقوقی و اجرایی، مسئولیت‌پذیری ضعیف می‌شود. احتکارچیان از این خلأ قانونی و اجرایی برای فرار از پاسخگویی استفاده می‌کنند

۲. ماهیت قرارگاه

فراتر از یک کمیته ساده تشکیل یک قرارگاه ویژه، به معنای ایجاد یک ساختار فرابخشی است. این قرارگاه نباید صرفاً یک جلسه برای هماهنگی باشد، بلکه باید یک واحد عملیاتی با اختیارات ویژه باشد. ویژگی‌های کلیدی این قرارگاه باید شامل موارد زیر باشد:

الف- یکپارچگی اطلاعاتی: اولین وظیفه قرارگاه، ایجاد یک مرکز داده‌های واحد است. این مرکز باید با اتصال مستقیم به سیستم‌های گمرکی، بانکی، مالیاتی و پلتفرم‌های توزیع کالا، بتواند جریان حرکت کالا را از لحظه ورود به کشور تا رسیدن به دست مصرف‌کننده ردیابی کند. هرگونه توقف غیرعادی در زنجیره تأمین یا عدم تطابق موجودی انبار با اسناد واردات، باید به صورت خودکار توسط سیستم هشدار اعلام شود

ب- قدرت اجرایی و واکنش سریع: قرارگاه باید تیم‌های عملیاتی ویژه‌ای داشته باشد که برخلاف بازرسان عادی، دارای مجوزهای لازم برای ورود فوری به انبارها و بازرسی‌های بدون هماهنگی قبلی باشند. این تیم‌ها باید بتوانند در کمترین زمان ممکن، پس از دریافت هشدار سیستم، به محل مورد نظر اعزام شوند تا از تخلیه یا جابه‌جایی کالا جلوگیری کنند.

ج- تمرکز در تصمیم‌گیری و برخورد حقوقی: قرارگاه باید دارای یک واحد حقوقی- قضایی اختصاصی باشد تا از درگیر شدن در فرآیندهای طولانی دادگاه‌های عادی برای موارد احتکار، سرعت عمل بخشیده شود. برخورد با احتکار در قالب این قرارگاه، باید با رویکردی قاطع و با استفاده از ابزارهای سختگیرانه (مانند توقیف فوری اموال و مصادره کالا) همراه باشد.

۳. اثرات چندجانبه تشکیل قرارگاه بر اقتصاد و جامعه

تشکیل این قرارگاه، تنها یک اقدام پلیسی نیست، بلکه یک حرکت اقتصادی است که پیامدهای مثبت زنجیره‌ای دارد: تثبیت قیمت‌ها و بازگشت اعتماد به بازار و جامعه

وقتی فعالان اقتصادی بدانند که یک سیستم نظارتی هوشمند و سریع در حال رصد بازار است، هزینه احتکار را بسیار بالا می‌برند. این امر باعث می‌شود کالاها با سرعت بیشتری به سمت بازار حرکت کنند و قیمت‌ها به سطح واقعی خود بازگردند.

در شرایط موجود پلیس امنیت اقتصادی فراجا از ابتدای شروع جنگ تحمیلی سوم با تشکیل قرارگاه مقابله با احتکار و امتناع از عرضه کالا و با بهره‌گیری از ظرفیت سایر سازمان‌ها و نهادهای مرتبط از جمله وزارت صمت، تعزیرات، جهاد کشاورزی با همه توان به میدان آماده است تا نگذاریم محتکران امنیت اقتصادی مردم را به چالش بکشانند.

گذرنامه‌های کمتر از ۶ ماه اعتبار تعویض شود

سخنگوی فراجا از زائران اربعین خواست از همین روزها برای دریافت یا بررسی اعتبار گذرنامه خود اقدام کنند و هشدار داد گذرنامه‌هایی که کمتر از شش ماه اعتبار دارند، برای سفر اربعین قابل استفاده نخواهند بود.

سردار سعید منتظرالمهدی با تأکید بر ضرورت آمادگی زائران پیش از آغاز موج سفرهای اربعین گفت: افرادی که قصد تشرف به زیارت اربعین حسینی را دارند، بهتر است تهیه گذرنامه را به روزهای پایانی موکول نکنند. وی افزود: اگر اعتبار گذرنامه زائران کمتر از شش ماه باشد، دریافت گذرنامه جدید الزامی است و این افراد باید هر چه سریع‌تر برای تعویض آن اقدام کنند. سخنگوی فراجا با اشاره به روش‌های دریافت گذرنامه اظهار کرد: متقاضیان می‌توانند هم به‌صورت حضوری از طریق دفاتر پلیس +۱۰ و هم به صورت غیرحضوری از طریق اپلیکیشن «پلیس من» درخواست خود را ثبت کنند. به گفته معاون فرهنگی و اجتماعی فراجا، افرادی که سال گذشته گذرنامه عادی یا زیارتی دریافت کرده‌اند و همچنان بیش از شش ماه اعتبار دارد، نیازی به تمدید نخواهند داشت. وی همچنین تأکید کرد ادارات گذرنامه در سراسر کشور آماده خدمت‌رسانی هستند و گذرنامه‌های زیارتی نیز با هزینه کمتر و در کوتاه‌ترین زمان صادر می‌شود.

پایان فرار شوتی پس از پنچری ۲۰ خودرو با میخ سه‌پر!

تعقیب و گریز شبانه یک خودروی شوتی در اتوبان تهران ـ کرج، با ریختن میخ‌های سه‌پر در مسیر به صحنه‌ای پرتنش تبدیل شد؛ اتفاقی که به پنچر شدن دست‌کم ۱۵ تا ۲۰ خودرو و ایجاد ترافیک سنگین در این محور منجر شد.

شامگاه یک‌شنبه ساعاتی پس از انتشار فیلم‌هایی در فضای مجازی درباره پنچر شدن گسترده خودروها در اتوبان تهران ـ کرج، رئیس پلیس راه راهور فراجا جزئیات این ماجرا را تشریح کرد. سردار احمد کرمی‌اسد گفت: شامگاه ۲۷ اردیبهشت‌ماه مأموران پلیس در محدوده تهران و کرج در حال تعقیب یک دستگاه خودروی شوتی بودند که راننده متخلف برای فرار از دست پلیس اقدام به ریختن میخ‌های سه‌پر در سطح اتوبان کرد. به گفته وی، این اقدام خطرناک باعث شد بین ۱۵ تا ۲۰ خودرو دچار پنچری شوند و ترافیک سنگینی در مسیر شکل بگیرد. رئیس پلیس‌راه راهور فراجا با اشاره به پایان این تعقیب و گریز افزود: مأموران انتظامی در نهایت موفق شدند خودروی متواری را توقیف و راننده آن را شناسایی کنند. همچنین برای متهم پرونده قضایی تشکیل شده است. سردار کرمی‌اسد همچنین به شایعات منتشر شده در فضای مجازی واکنش نشان داد و گفت: برخلاف برخی ادعاها، تعداد خودروهای آسیب‌دیده ۴۰۰ دستگاه نبوده و بررسی‌ها نشان می‌دهد حدود ۱۵ تا ۲۰ خودرو دچار خسارت شده‌اند.

مفقودی

برگ سبز و کارت شناسایی خودرو سمند X7، مدل ۸۱، پلاک ۸۸۳ ی ۷۳ ایران ۷۷، شماره موتور ۳۲۹۰۸۱۰۳۱۶۸، شماره شاسی ۰۰۸۱۲۰۳۳۰۵ بنام حسین حاج سعید مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

مفقودی

سند برگ سبز و کارت سوخت خودرو پژو ۲۰۶SD، مدل ۹۵، پلاک ۶۶۱ ق ۵۳ ایران ۵۶، شماره موتور ۱۶۳B۰۲۵۱۴۱۵، شماره شاسی NAAP۴۱FE۵GJ۷۶۲۸۹۴ بنام حجت امدادی بلگوری مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

گیلان

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۰۹۱۲ تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۱۱۵۴ تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای آتابای شیرمحمدلی فرزند خوجه محمد به شماره شناسنامه ۱۴۹۰ و کد ملی ۴۹۷۹۴۶۹۲۱۳ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۰۸۳.۹۳ متر مربع ، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۲ _اصلی واقع در آق قلا_اراضی قریه دوگونچی_ بخش ۶- حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۳

مهناز جهانفر

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۷۹ مورخ ۱۴۰۵/۱/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی ، مالکیت خانم نفیسه مهر علیان به شناسنامه شماره ۱۶۰۷ کدملی ۱۲۸۸۸۹۱۲۴۵ صادره اصفهان فرزند اسداله در ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۳۹/۷۷ متر مربع (که با توجه به نامه شهرداری ، کاربری عرصه ، طبق طرح بازنگری مسکونی و بهره برداری به صورت یکباب مغازه می باشد) پلاک شماره ۳۱۰۵ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان در ازای مالکیت رسمی مشاعی اولیه مفروز ثبتی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود ، در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند ، می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۳

شناسه آگهی: ۲۱۸۲۶۲۵

حسین عینی - رئیس ثبت اسناد و املاک جنوب اصفهان